

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس هایی پیرامون راهبری
ربای لرد جاناتان ساکس



با سپاسگزاری از بنیاد خیریه موريس ول برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

دورنما و ریزه کاری ها: میشپاتم

Vision and Details: Mishpatim 5781

پاراشای این هفته به ما انتقالی پرسش برانگیز را نشان می دهد. تا این لحظه سفر خروج [شموت] ما را از میان روایتی پرهیجان و پرنشیب و فراز عبور داده است: بردگی بنی اسرائیل، امید آنها به آزادی، ضربت ها، سرسختی فرعون، گریز در بیابان، عبور از دریای سرخ، سفر به سوی کوه سینا و عهد بزرگ با خداوند. و اینک با ادبیاتی یکسره متفاوت روبه رو می شویم: مجموعه قوانینی که انواع مختلفی از امور را پوشش می دهند، از مسئولیت آسیب به دارایی دیگران تا قوانین عدالت، تا شبات و اعیاد. چرا اینجا؟ چرا داستان دنبال نشد تا به ماجرای پرهیجان بعدی یعنی ساختن گوساله طلایی برسد؟ چرا جریان روایت قطع شد؟ و این چه ربطی با رهبری دارد؟

پاسخ چنین است: رهبران بزرگ، خواه مدیران کل یا والدین ساده، این توانایی را دارند که با دورنمای گسترده تر و همراه با ریزه کاری های مشخص ارتباط بگیرند. ریزه کاری ها بدون دورنما فقط خسته کننده هستند. داستان مشهوری هست درباره سه کارگری که به شکستن صخره های

سنگی گماشته شده بودند. وقتی از آنها پرسیدند چه می کنند؟ یکی پاسخ داد: "سنگ می شکنم"، دومی پاسخ داد: "تامین معاش می کنم". سومی پاسخ داد: "یک قصر می سازم". کسانی که تصویری فراگیرتر دارند، به کار خود بیشتر افتخار می کنند و سختتر و بهتر کار می کنند. رهبران بزرگ، دورنمایی را انتقال می دهند.

اما آنها همچنین در برخورد با ریزه کاری ها دقیق و حتی کمال گرا نیز هستند. توماس ادیسون گفته مشهوری دارد: "یک درصد نبوغ، الهام است و نود و نه درصد آن، عرق ریختن است". نبوغ یعنی توجه به ریزه کاری هایی که تراز اول هنرمندان، شاعران، آهنگسازان، فیلمسازان، سیاستمداران و روسای شرکت ها را از افراد معمولی در این رشته ها متمایز می کند. هر کس زندگینامه استیو جاب به قلم والتر ایکسون را خوانده، می داند که او آنقدر به ریزه کاری ها توجه داشت که با وسواس پهلوی زد. برای نمونه، همه فروشگاه های اپل باید راه پله های شیشه ای داشته باشند. وقتی به او گفتند که شیشه ای به این استحکام وجود ندارد، اصرار کرد که ساخته شود و همین اتفاق افتاد (حق اختراع آنرا ثبت کرد).

نبوغ توراه در این بود که این اصل را به کل یک جامعه بسط داد. بنی اسرائیل از چندین رویداد دگرگون ساز عبور کرده بودند. موسی می دانست که چنین چیزی تا کنون وجود نداشته است. همچنین از سوی خدا آگاه شده بود که هیچ یک اتفاقی یا بی دلیل نبودند. بنی اسرائیل بردگی را تجربه کرده بودند تا آزادی را ستایش کنند. آنها رنج کشیده بودند تا بفهمند چقدر ستمکار بودن بد است. در کوه سینا خدا از راه موسی به آنها مرامنامه ای داده بود: که به "ملکوتی از کاهنان و ملتی مقدس" در زیر فرمانروایی فقط خداوند تبدیل شوند. آنها می رفتند که جامعه ای بر اساس اصول عدالت، کرامت انسانی و احترام تشکیل دهند.

اما رویدادهای تاریخی و نه ایده آل های انتزاعی – و حتی نه اصول ده فرمان – کافی نیستند تا در بلندمدت، جامعه ای را حفظ کنند. هدف برجسته توراه از همین جا برمی خیزد: برگردان تجربه

تاریخی به قوانین دقیق و تنیدن آن در بافت زندگی اجتماعی خود. در پاراشای میشپاتیم، دورنما تبدیل می شود به ریزه کاری ها و جزئیات و روایت بدل می گردد به قانون.

برای نمونه، "اگر برده ای از بنی اسرائیل می خری، او فقط برای شش سال به تو خدمت می کند، اما در سال هفتم باید بدون پرداخت هیچ چیزی آزاد شود" (خروج ۲-۳: ۲۱). بردگی در این قانون با یک جهش از شرایطی مادرزاد تبدیل شد به شرایطی موقتی و از کسی که هستی به کسی که برای مدتی معین کاری بکنی. بردگی، که تجربه تلخ بنی اسرائیل در مصر بود، یک شبه ملغی نمی شد. حتی در آمریکا تا دهه ۱۸۶۰ ملغی نشد و حتی آن زمان بدون یک جنگ داخلی ویرانگر ممکن نبود. اما این قانون که در ابتدای پاراشای این هفته آمده، ابتدای مسیری طولانی است.

همچنین، قانونی که می گوید "هر کس برده یا کنیز خود را با چوب بزند، اگر برده در نتیجه آن بمیرد باید مجازات شود." (خروج ۲۰: ۲۱). برده یک شیء قابل مالکیت نیست. هر یک از آنها دارای حق حیات هستند.

همچنین قانون شبات که می گوید: "شش روز کار کن اما در روز هفتم کار نکن تا گاو و الاغت استراحت کنند و برده ای که در خانه تو متولد شده و با تو زندگی می کند، استراحت کند." (خروج ۲۳: ۱۲) یک روز در هفته بردگان می بایست هوای آزادی را تنفس کنند. هر سه این قانون ها راه را برای الغای بردگی باز کردند، حتی اگر بیش از سه هر سال طول کشید.

دو قانون هست که مربوط به تجربه بنی اسرائیل به عنوان یک اقلیت زیر ستم می باشند: "با یک غریبه بدرفتاری یا ستم نکنید، زیرا بردگان بودید در مصر." (خروج ۲۱: ۲۲) و "به غریبه ستم نکن؛ شما خود می دانید که چه احساسی دارد غریب بودن، زیرا غریب بودید در مصر." (خروج ۲۳: ۹)

و قوانینی هست که دیگر جنبه های تجربه قوم در مصر را یادآور می شوند، از جمله: "به بیوه زن یا یتیم زورگویی نکن. اگر چنین کنی و آنها به درگاه من فریاد برآورند، حتما فریاد آنها را خواهم شنید" (خروج ۲۱-۲۲: ۲۲). این یادآور رویداد آغاز خروج است، "بنی اسرائیل در بردگی آه و فغان سردادند

و به دلیل بردگی، فریاد کمک آنها به درگاه خدا رسید. خدا آه آنها را شنید و او عهد خود با ابراهیم، یعقوب و اسحق را به یاد آورد. پس خدا به بنی اسرائیل نظر افکند و به آنها توجه نمود." (خروج ۲۳-۲۵: ۲)

پروفسور حقوق دانشگاه ییل، رابرت کاور، در مقاله ای مشهور در دهه ۱۹۸۰ درباره "قانون و روایت" نوشت.¹ منظور او این بود که در زیر سطح قانون در هر جامعه ای یک دورنما از نظم اجتماعی آرمانی که قرار است قانون آنرا برقرار سازد، وجود دارد. و پشت هر دورنمایی یک روایت هست که داستانی می باشد در این باره که چرا دوراندیشان و برنامه گزاران آن جامعه یا گروه به دورنمای خاص نظم ایده آل خود رسیدند.

بسیاری از مثال های کاور از تورات گرفته شده اند و در حقیقت، این تجزیه تحلیل کمتر شبیه یک تشریح قانون و بیشتر شبیه پدیده یگانه ای که تورا نام دارد. واژه تورا قابل ترجمه نیست، زیرا چندین معنای متفاوت دارد که تنها همراه یکدیگر در کتابی که این نام را بر خود دارد، جمع شده اند.

تورا یعنی "قانون". همچنین یعنی "آموزه، دستورعمل، راهنما"، یا به معنای کلی تر یعنی "هدایت". تورا همچنین نام کلی پنج کتاب، از سفر پیدایش تا سفر تثنیه، است که شامل هم روایت و هم قانون می باشند.

در مجموع، قانون و روایت دو گونه ادبی هستند که همپوشانی بسیار اندکی با یکدیگر دارند. بیشتر کتاب های قانون هیچ روایتی دربرندارند و بیشتر روایت ها قانونی را ارایه نمی دهند. افزون بر این، چنان که کاور نیز می گوید، حتی اگر مردم در بریتانیا یا آمریکا امروز روایت پشت یک قانون را بدانند، هیچ متن قانونی وجود ندارد که هر دو روایت و قانون را یک جا ارایه دهد. در هر حالت، در

¹ Robert Cover, "Nomos and Narrative," Foreword to the Supreme Court 1982 Term, Yale Faculty Scholarship Series, Paper 2705, 1983. The paper can be found at http://digitalcommons.law.yale.edu/fss_papers/2705.

بیشتر جوامع، راه های مختلف بسیاری هست برای گفتن یک داستان. افزون بر این، بیشتر قوانین بدون بیان دلیل و هدف مورد نظر و تجربه تاریخی منجر به تدوین آنها اعلام می شوند.

بنابر این، توره ترکیبی یگانه از قانون و روایت، تاریخ و قانون، تجربه شکل گیری یک ملت و روش زندگی جمعی مورد نظر آنها است تا هرگز درس هایی را که طی مسیر آموخته فراموش نکند. توره در خود دورنما و جزئیات را به گونه ای گردآورده که تا کنون نظیری نداشته است.

اگر بخواهیم که مردم با ما همراه شوند و بهترین چهره خود را داشته باشند، باید این چنین رفتار کنیم. باید دورنمایی باشد که به ما الهام ببخشد و به ما بگوید چرا باید آنچه از ما خواسته شده را انجام بدهیم. باید روایتی در میان باشد که بگوید: این اتفاق ها افتادند، هویت ما این بوده و به این دلایل دورنمای ما این قدر مهم است. سپس باید قانونی با دقت موشکافانه به جزئیات وجود داشته باشد تا به ما امکان بدهد که دورنمای خود را به واقعیت و درد گذشته را به برکت های آینده تبدیل کنیم. این ترکیب خارق العاده که در هیچ متن قانونی دیگری جز تورات یافت نمی شود، همان عاملی است که به تورات قدرت پایداری و دوام می دهد. این سرمشقی است برای همه کسانی که می خواهند مردم را به بزرگی رهنمون سازند.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust